

● معرفی کتاب

اروپا و ایران: چشم‌انداز عدم‌اشاعه

Shannon Kile (Ed.), *Europe and Iran: Perspectives on Non-Proliferation*, SIPRI Research Report No. 21, (Oxford: Oxford University Press, 2002), 152 p.

مقدمه

این راستا، از همان زمان اعلام پیشرفت ایران در رسیدن به تکنولوژی هسته‌ای صلح‌آمیز، آنها سعی کرده‌اند در سطوح مختلف، پیشرفت مزبور را متوقف نمایند. از جمله در محافل فکری و رسانه‌های گروهی، دشمنان جمهوری اسلامی ایران سعی کرده‌اند با تولید و تغذیه اطلاعاتی، جهان را نسبت به اهداف مسالمت‌آمیز ایران بدبین کرده و اجماعی جهانی برای مقابله با ایران ایجاد نمایند. مطالعه آثار و ادبیات منتشر شده در این رابطه ما را از این امر به خوبی آگاه می‌سازد. چراکه به‌عنوان مثال، تنها به زبان انگلیسی صدها کتاب و مقاله در زمینه برنامه‌ها و اهداف هسته‌ای

به‌دنبال پخش گزارش فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از شبکه خبری CNN در سال ۱۳۸۱ بلافاصله موضوع فعالیت‌های هسته‌ای به اصطلاح «مخفی و پنهانی» ایران به صدر اخبار و تحلیل‌های رسانه‌های گروهی، مؤسسات تحقیقاتی و محافل تصمیم‌گیری راه یافت. واکنش‌هایی هم که نسبت به برنامه‌ها، توانایی‌ها و اهداف و مقاصد ایران، از آن‌زمان تاکنون نشان داده شده، مورد انتظار بوده است. در واقع نوع و ماهیت این واکنش‌ها، متفاوت از واکنش‌های قبلی دشمنان جمهوری اسلامی ایران نبود و در

ایران منتشر شده است. این واقعیت تلخ به خصوص زمانی بیشتر حس می شود که مشاهده می کنیم سهم ایران از این آثار عدیده بسیار ناچیز است و غوغای رسانه ای دشمنان ایران همچنان ادامه دارد. با وجود این، همچنانکه اشاره شد، در این میان همت و ابتکار برخی از محققان و مؤسسات تحقیقاتی ایرانی در دفاع از حقوق هسته ای ایران شایان توجه است. از جمله کتاب حاضر که محصول پروژه مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم (سیپری) است که در سال ۲۰۰۵ از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد و با ویراستاری آقای شتون کایل محقق ارشد مؤسسه یاد شده به چاپ رسیده است.

مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم (سیپری) در سال ۲۰۰۶ چهلمین سال تاسیس خود را جشن گرفت و هم اینک به عنوان یکی از مؤسسات

بین المللی معتبر در زمینه تحقیقات صلح بین المللی به خصوص خلع سلاح و کنترل تسلیحات شناخته شده است. در واقع دولت سوئد، مؤسسه مزبور را در سال ۱۹۶۶ به مناسبت ۱۵۰ سال صلح مستمر و برای ترویج صلح و امنیت بین المللی تأسیس کرده که تاکنون صدها جلد کتاب ارزشمند در زمینه صلح و امنیت بین المللی منتشر نموده است. کتاب سال این مؤسسه در زمینه مخاصمات، تهدیدهای امنیتی، خریدهای نظامی، تولید و تأمین تسلیحات و تحولات استراتژیک سال منبع بسیار مهم در ارائه تحلیل نسبتاً بی طرف در خصوص رخدادهای مهم و مرتبط سال قبل از انتشار می باشد. تأمین مالی این مؤسسه به طور عمده از سوی دولت سوئد و کمک های اعطایی از سوی کشورها و سازمان های بین المللی مختلف صورت می پذیرد و محققان شاغل در آن براساس صلاحیت های شخصی از کشورهای مختلف انتخاب می شوند. لازم به ذکر است مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی

مسائل هسته‌ای ایران تعریف و اجرا نماید. چنین امری با شرایط ویژه‌ای که بعداً توضیح داده خواهد شد، میسر نمی‌گردد مگر با همکاری نزدیک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی که پس از امضای قرارداد همکاری متقابل با سیپری، این پروژه را مجرا و فرصت خوبی برای تبیین و شفاف‌سازی اهداف و برنامه‌های هسته‌ای ایران در سطح رسانه‌ای و مؤسسات تحقیقاتی می‌داند. بدین منظور دو میزگرد برگزار گردید که اولی در اواخر سال ۲۰۰۳ برای تعیین ساختار پروژه و تقسیم وظایف هریک از طرفین در استکهلم و دومی با حضور افراد بیشتر در ماه مه سال ۲۰۰۴ در تهران برگزار شد. گزارشات ارائه شده در این میزگرد به صورت مقاله تدوین شده که حاصل آن سه مقاله از سوی نویسندگان اروپایی و سه مقاله به قلم محققان ایرانی می‌باشد.

محتوای کتاب

فصل اول کتاب به قلم شنون کایل، شامل؛ مقدمه و طرح مسأله برای دیگر

استکهلم از سوی سازمان ملل مورد شناسایی قرار گرفته است. در این نوشته، پس از توضیح اجمالی مقدمات تهیه و انتشار کتاب حاضر، ضمن بررسی محتوای بخش‌های مختلف آن به نقد و ارزیابی مطالب مطرحه می‌پردازیم.

فرآیند تهیه کتاب

آن چنانکه در پیش‌گفتار کتاب آمده است، این کتاب محصول کار مشترک و همکاری میان دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی از یک سو و مؤسسه سیپری از سوی دیگر است. البته، ورود سیپری به این موضوع به خواست دو کشور اروپایی فنلاند و ایرلند برای ایفای نقش در پرونده هسته‌ای ایران برمی‌گردد. به طوری که در کنار مشارکت سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس، برخی دیگر از کشورهای کوچک اروپایی نظیر دو کشور فوق برای ورود به این پرونده تشویق می‌شوند و در نتیجه با اعطای کمک مالی به سیپری از آن می‌خواهند پروژه ویژه‌ای در خصوص

ژرفی بر اعتبار (NPT) که همزمان با چالش‌های دیگری نیز روبروست، خواهد گذاشت و ممکن است نحوه پادمان هسته‌ای تحت نظارت آژانس با توجه به نتیجه فوق دچار تغییرات مهمی بشود. بنابراین در حالی که برای ایران و دیگر کشورهای درحال توسعه، پیروزی در این اختلاف برای توسعه زیرساخت‌های کشور حیاتی است، از نظر کشورهای اروپایی، ورود به این اختلاف و حل آن اولین آزمون استراتژی مصوب اتحادیه اروپایی در مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در سال ۲۰۰۳ می‌باشد.

نویسنده در این فصل با معرفی ریشه‌ها و نحوه توسعه برنامه هسته‌ای ایران و چگونگی بروز بحران هسته‌ای، به مذاکرات سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس پرداخته و بازتاب حل این اختلاف بر آینده رژیم عدم اشاعه هسته‌ای را مورد ارزیابی قرار داده است. از جمله این آثار می‌توان به امکان پیگیری برنامه‌های هسته‌ای مخفی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای از سوی

فصول کتاب می‌باشد که در اصل به چگونگی کشمکش و مشاجره بین‌المللی در مورد ماهیت و گستره برنامه هسته‌ای ایران و پایبندی این کشور نسبت به مقررات پادمان هسته‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌پردازد. در واقع، این اختلاف در حال حاضر در صدر مباحثات بین‌المللی درباره آینده رژیم عدم اشاعه هسته‌ای و مهم‌ترین بنیاد حقوقی آن یعنی معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) قرار دارد. موضوع اصلی اختلاف نیز بر یافته‌های آژانس درباره قصور ایران از تعهدات مربوطه خود در طول ۱۸ سال گذشته متمرکز است. در اصل، ایران معتقد است که مهم‌ترین هدف برنامه هسته‌ای این کشور تولید برق می‌باشد و مقامات ایرانی هرگونه نقض تعهدات مبتنی بر قرارداد پادمان هسته‌ای را رد می‌کنند. با وجود این، در اروپا و آمریکا نگرانی‌هایی مبنی بر امکان تولید بمب هسته‌ای توسط ایران وجود دارد. نتیجه پایانی این اختلاف از آن نظر بسیار حائز اهمیت است که تأثیر

داخل ایران» در مقابل «دیدگاه‌های خارجی» درخصوص امنیت ملی ایران ارائه بدهد. بدین منظور مقاله حاضر به دو پرسش مهم در این زمینه پاسخ می‌دهد: الف) از دیدگاه امنیتی، ایران چگونه از خارج دیده می‌شود؟ ب) تکامل دکترین امنیتی ایران «از داخل» چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ نگاه اول نسبت به حجم مطالعات خارجی درخصوص امنیت ایران نشان می‌دهد که اصولاً این مطالعات «امنیتی شده»، «ساده‌انگارانه» و «ایستا نگر» هستند. در واقع ایران از خارج به عنوان یک تهدید دیده می‌شود که ماهیت ساده‌ای دارد و همچنان در روزهای اول انقلاب به سر می‌برد و در نتیجه باید با آن مقابله کرد. با وجود این، واقعیت‌های موجود در ایران یافته‌های دیگری را نشان می‌دهند که در اصل، ایران با رویکرد همکاری‌جویانه نسبت به نظام بین‌المللی منبع و منشأ تهدید نیست. علاوه بر این، ایران یک بافت پیچیده‌ای دارد که بسیار متفاوت از جوامع یک‌دست و ساده بعضی از کشورهای در

کشورهای در حال توسعه در زیر ماده ۴ (NPT) و یا از طریق سوءاستفاده از بازار سیاه بین‌المللی اشاره کرد. برای مقابله با چنین خطر اشاعه، برخی دیگر از کشورها پیشنهاداتی درخصوص محدود نمودن حق غنی‌سازی ارائه کرده‌اند. در این راستا، برخی از ایده‌های مربوط به مقابله با اشاعه به صورت قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل و یا ابتکار امنیت اشاعه (PSI) جامه عمل به خود پوشیده‌اند. اتحادیه اروپایی نیز با احساس وظیفه برای جلوگیری از اشاعه، مایل است از تمام ابزارهای سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی بهره‌برداری نماید.

فصل دوم: تکامل دکترین امنیت ملی ایران

این مقاله به قلم دکتر سید محمدکاظم سجادپور مدیرکل وقت دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی با اشاره به خلأ موجود در ادبیات مربوط به مطالعات امنیت ملی ایران می‌خواهد دیدگاهی «از

بحران‌های مختلف از جمله حمله آمریکا به عراق و افغانستان ادعای مزبور را به راحتی تأیید می‌کند. با مراجعه به برنامه توسعه پنج ساله و چشم‌انداز بیست ساله می‌توان گفت که از دیدگاه مقامات ایرانی امنیت به جز از طریق موازنه توسعه سیاسی و اجتماعی قابل دسترسی نیست و در راستای تحقق این اهداف، ایران از ابزارهای دیپلماتیک نیز استفاده می‌کند.

علاوه بر تحلیل مفهومی دکترین امنیت ملی ایران، تکامل این دکترین را در عمل می‌توان به سه دوره قبل از جنگ، در طول جنگ و پس از آن تقسیم کرد. دوره قبل از جنگ با یک خوش‌بینی و در عین حال با بی‌نظمی ناشی از برهم خوردن نظام امنیتی کشور همراه بود. دوره جنگ دوره یادگیری و پی بردن به هماهنگی در فعالیت‌ها و اقدامات امنیتی بود. در نتیجه این فرآیند، شورای امنیت ملی تشکیل شد. پس از جنگ محاسبه سود و زیان با درک بیشتر محدودیت‌ها و توانایی‌های عملی ایران و نیز لزوم توسعه سیاسی، اقتصادی،

حال توسعه می‌باشد. در عین حال، ایران با پشت‌سر گذاشتن روزهای اول انقلاب، جامعه‌ای به سرعت در حال رشد و تحول است.

حال در مقابل ذهنیت فوق نسبت به ایران، تصویر جایگزین دیگری از داخل کشور قابل ارائه است که در پایان ذهنیت دیگری براساس موقعیت جغرافیایی ایران، مردم و سیاست این کشور به وجود می‌آورد. به طوری که می‌توان گفت موقعیت جغرافیایی ایران همواره در تعیین سیاست‌های کلان کشور مهم بوده، هست و خواهد بود. با وجود این، تصمیم‌گیرندگان اصلی سیاست‌های امنیتی کشور که قابل تقسیم به دو نسل اول و دوم هستند، به دلیل حساسیت موضوعاتی نظیر پذیرش پروتکل الحاقی پس از بحث‌های دقیق و عمیق به اتخاذ تصمیم می‌پردازند. از دیدگاه سیاست‌های اتخاذ شده نیز می‌توان گفت که نخبگان ایرانی با تفکری «دفاعی» و نه «تهاجمی» به دنبال حفاظت از منافع ملی کشور هستند و نحوه عملکرد آنها در

تدوین استراتژی مزبور از زمانی آغاز شد که خاویر سولانا نماینده عالی اتحادیه در امور سیاست خارجی و دفاعی مشترک در سال ۲۰۰۳ از اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت اروپا یاد کرد که این امر متعاقباً به تصویب شورای اروپا رسید. هرچند کشورهای عضو نیز مقررات داخلی خود را برای مقابله با خطر اشاعه داشتند، با درس‌های برگرفته از حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، اتحادیه اروپا برای اتخاذ یک استراتژی واحد و مشترک در مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی متقاعد شد. در نهایت، پیشنهاد این امر از سوی سوئد مطرح و با تأیید شورای روابط خارجی و امور عمومی، پیشنهاد و به کمیته سیاسی و امنیتی ارائه شد. با تأیید کمیته مزبور دو متن شامل «اصول اساسی اتحادیه در مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی» و «برنامه عمل برای اجرای اصول اساسی اتحادیه در مقابله با اشاعه سلاح‌های

و اجتماعی ایران در سیاست‌های این کشور مشهود بوده است. در نتیجه این تحول و تکامل، یک نسل حرفه‌ای ایرانی جامعه امنیتی کشور را تشکیل می‌دهند که مشخصات و ویژگی‌های مختص خود را داراست.

فصل سوم: استراتژی اتحادیه اروپایی برای مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی

این مقاله به قلم کریستر اولستروم دیپلمات سوئدی و معاون وقت مدیر سیپری نوشته شده است. نویسنده با نگاهی اجمالی به روند توافقات نمایندگان سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس با ایران که در اصل صرف‌نظر از حمایت بعدی شورای اروپا از توافقات مزبور، آنها به نمایندگی از کشورهای خود و نه «اتحادیه اروپایی» با ایران به مذاکره پرداختند، ریشه‌های شکل‌گیری استراتژی اتحادیه برای مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی را بررسی می‌کند. در واقع،

دانست. همچنین در راستای تحقق این استراتژی، اعضای اتحادیه اروپا در موارد محافل مختلف بین‌المللی شامل کنفرانس خلع سلاح، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بین‌المللی منع سلاح‌های شیمیایی با هدف مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی، تصمیمات واحدی اتخاذ و اجرا کرده‌اند. توافق اعضای این اتحادیه در تدوین استراتژی مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی، آنها را در توافقات عملی در سایر حوزه‌های حساس نیز امیدوار ساخته است.

فصل چهارم: اختلاف هسته‌ای در چارچوب تکامل استراتژی دفاعی ایران

این مقاله توسط دکتر روشندل استاد مدعو دانشگاه دوک واقع در کالیفرنیا شمالی به رشته تحریر در آمده است. وی در این مقاله کوشیده تا به این سؤال پاسخ دهد که چرا ایران بایستی به نقد و انتقاد بین‌المللی ازجمله نسبت به

کشتارجمعی» تهیه شد. این دو پیش‌نویس در نهایت پس از جرح و تعدیل در جلسات مختلف، در نهایت در دسامبر ۲۰۰۳ به تصویب شورای اروپا رسید و عنوان استراتژی اتحادیه اروپایی برای مقابله با سلاح‌های کشتارجمعی را به خود اختصاص داد. این استراتژی دارای یک مقدمه و سه بخش است. بخش اول به توصیف تهدید و چالش صلح و امنیت بین‌المللی در اثر اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی می‌پردازد. بخش دوم بر پاسخ کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مقابله با این خطر متمرکز است. در نهایت بخش سوم به وظایف هر کشور عضو اتحادیه برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی اختصاص دارد. ازجمله مفاد بسیار مهم این استراتژی، گنجانیدن «شرط اختیاری عدم اشاعه» در قراردادهای همکاری با کشورهای ثالث است و در صورت احراز عدم رعایت این شرط از سوی کشورهای ثالث، اتحادیه اروپا تداوم همکاری با آن کشور را مجاز نخواهد

دسترسی پیدا کرده است که به تبع آن دکترین دفاعی کشور نیز از این پیشرفت‌ها متأثر شده و کسب توان بازدارندگی به‌عنوان یک هدف مهم برای ایران مبدل گردیده است. در عین حال، سپاه و بسیج در کنار ارتش، خود را برای صیانت و حفاظت از جمهوری اسلامی آماده کرده‌اند. پس از انقلاب، در پی حمله آمریکا به عراق در جنگ ۱۹۹۱ و به‌خصوص پس از حمله مجدد آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود که دیگر چالش‌ها و تهدیدهای ارضی و مرزی به شکل سنتی برای جمهوری اسلامی ایران جای خود را به تهدید پرنرنگ‌تر محاصره از سوی نیروهای خارجی در جهات مختلف داد. در چنین شرایطی هدف ایران پیشگیری از بروز جنگ و گسترش آن، حفظ تمامیت ارضی و صیانت از ارزش‌های اسلامی بود. با وجود این، هنگامی که ایران دریافت که آنچه سال‌ها مانع تحقق آن بود - یعنی حضور نیروهای نظامی خارجی در منطقه - صورت عملی به خود گرفته، استراتژی بی‌طرفی فعال را

برنامه‌های هسته‌ایش پاسخ دهد. بدین‌منظور ساختار و نقش نیروهای دفاعی ایران و تأثیر تکامل آن در چالش‌های امنیتی داخلی و خارجی و چگونگی مقابله با آنها در مقاله حاضر توضیح داده شده است. لازم به ذکر است که این مقاله از رویکرد سنتی رده‌بندی تهدیدات امنیتی ایران خودداری کرده و به‌خصوص به تأثیر تحولات امنیتی در سطح منطقه - شامل حمله آمریکا به افغانستان و عراق - بر ظهور استراتژی بی‌طرفی فعال می‌پردازد. در واقع آسیب‌پذیری‌های امنیتی ایران پس از انقلاب در سطح داخلی و خارجی که با بروز جنگ تشدید شد نشان می‌دهد که در آن زمان ایران فاقد یک استراتژی دفاعی بود. با وجود این، به اقتضای آن دوران و با درس‌های برگرفته از زمان جنگ، ایران به سمت خودکفایی و نیل به پیشرفت در حوزه‌های حساس تکنولوژیکی حرکت کرده، به نحوی که بیست و پنج سال پس از انقلاب، ایران به توانایی‌های چشمگیری در این حوزه‌ها

اتخاذ کرد. در این میان، توجه بیش از حد نظام بین الملل به اوضاع عراق، فضایی برای ایران فراهم کرد که در پس آن به سمت اهداف هسته‌ای خود حرکت کند. اما در درازمدت نمی‌توان گفت که این استراتژی بتواند تمام اهداف ایران را تحقق بخشد.

فصل پنجم: فرآیند اتخاذ تصمیمات امنیت ملی در ایران: امضای پروتکل الحاقی

نویسنده این مقاله دکتر حیدرعلی بلوچی نماینده مطالعاتی در سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم است که با تأکید بر اینکه تحلیل ارائه شده در مقاله صرفاً بیانگر دیدگاه‌های شخصی وی می‌باشد، پس از مقدمه، مقاله را با نقد ادبیات موجود شروع می‌کند. از نظر وی تحلیل‌ها و دیدگاه‌های ارائه شده از سوی مقامات و محققان خارجی، حداکثر تحلیل‌هایی از راه دور هستند که کم‌وبیش با واقعیات موجود در ایران متفاوت بوده و حتی در مواردی دارای اشتباهات فاحش

هستند. بنابراین، نتیجه‌گیری‌های به‌عمل آمده و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آن نیز می‌تواند اشتباه باشد. چنین وضعیتی به‌خصوص در مورد نحوه تصمیم‌گیری‌های ایران در حوزه امنیت ملی صادق است. از این‌رو نویسنده قصد دارد با معرفی شمای کلی تصمیم‌گیری‌های ایران که براساس قوانین موضوعه اتخاذ می‌شوند، نحوه عملی این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها را در امضای پروتکل الحاقی نشان دهد.

بدین منظور نویسنده، بحث اصلی خود را پس از پرداختن به سیاست ایران در عضویت در معاهدات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات و کنار گذاشتن داوطلبانه گزینه کسب سلاح‌های کشتارجمعی و نیز تقبیح استفاده از آنها، بر لایه‌های تصمیم‌گیری در دو سطح رسمی و غیررسمی می‌پردازد. در سطح رسمی، مقامات و نهادهای مختلف مصرح در قانون اساسی شامل رهبری، قوه مجریه، شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام،

اقتضای منافع ملی، سلاح‌های کشتار جمعی را امنیت‌آور نمی‌داند. به‌علاوه، تصمیم به پیوستن به قراردادهای بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات برای جمهوری اسلامی ایران یک اولویت سیاست خارجی به‌شمار می‌رود نه نظامی و امنیتی. به همین دلیل نیز برعکس کشورهای دارای سلاح‌های فوق‌که هماهنگ‌کننده داخلی امور آنها نهادهای نظامی و امنیتی هستند، در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اعتقاد به اولویت فوق‌الذکر این مسؤلیت برعهده نهادهای سیاسی است.

فصل ششم: اتحادیه اروپا و ایران: بسوی گفتگوی سیاسی و امنیتی جدید
این مقاله توسط دکتر جرارد کوییل محقق عضو دفتر سیاسی پارلمان اروپایی و دکتر روری کین محقق ارشد دفتر اطلاعات و امنیت اروپایی نوشته شده است. تمرکز اصلی مقاله حاضر بر روند روابط ایران و اروپاست که بانگاهی

شورای نگهبان و دستگاه‌های نظامی برطبق وظایف و اختیارات خود عمل می‌کنند. در سطح غیررسمی نیز گروه‌های ذی‌نفوذ و فعالان جامعه مدنی و تشکل‌های غیردولتی از رسانه‌های گروهی گرفته تا اساتید دانشگاه‌ها و محققان و... در تصمیمات مختلف تأثیر می‌گذارند. در عین حال، براساس مدل‌های تصمیم‌گیری، تصمیم ایران به امضای پروتکل الحاقی را می‌توان در چند سطح فردی، داخلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نتیجه تحلیل ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که تصمیم به امضای پروتکل الحاقی در یک فرآیند دموکراتیک و با ایفای نقش و مداخله تمام نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و به‌صورت شفاف اتخاذ شد. در واقع این تصمیم در تداوم سیاست اصولی ایران در مقابله با اشاعه و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد، چرا که ایران طعم تلخ حملات شیمیایی و صدام در طول جنگ تحمیلی را چشیده و بنا به اعتقادات دینی و انسانی و نیز به

اجمالی به روابط قبل از انقلاب به بر هم خوردن روابط در بُعد از انقلاب و ختم آن به گفتگوهای انتقادی و سازنده تا این اواخر می‌پردازد.

با وجود این، مسأله هسته‌ای شدن ایران از یکطرف و دیدگاه و سیاست اتحادیه اروپایی از سوی دیگر، این گفتگوها را با مشکل مواجه ساخته‌اند. علاوه بر این ذهنیت محاصره شدن از سوی غربی‌ها در ایران با توجه به عامل هویت دینی و ملی واکنش ایران را در مقابل غرب به خصوص آمریکا برمی‌انگیزد و ایران برای تحقق منافع استراتژیکی که قائل به آنهاست، تلاش می‌نماید. در مقابل اروپا سعی می‌کند با استفاده از اهرم‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی موجود، رفتار ایران را کنترل کند. به عبارت دیگر، امتیازات مشروط اروپا به ایران در قالب قراردادهای همکاری‌های تجاری و غیره و تعیین پیش شرط‌هایی نظیر پایبندی به مقررات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، اهرمی در اختیار اروپا برای تحمیل

خواسته‌های خود بر ایران می‌باشد. ولی باید پرسید که آیا این رفتار و امتیازدهی مشروط، همیشه و در همه موارد کاربرد خواهد داشت؟ از سوی دیگر، اروپا در عین اینکه با راه‌حل‌های چندجانبه و از طریق مسالمت‌آمیز می‌خواهد از اتمی شدن ایران جلوگیری کند، با دولت کنونی حاکم بر آمریکا به دلیل رفتار یک‌جانبه‌گرایانه نظامی آن دارای اختلاف نظر بوده و با وجود این مجبور به هماهنگی سیاست‌های خود با آمریکاست و این واهمه وجود دارد که هرگونه کوتاهی اروپا در حل بحران هسته‌ای، میدان عمل را برای دولت آمریکا گسترده‌تر سازد. در نهایت مقاله با ارائه برخی راهنمایی‌ها و توصیه‌ها برای اتحادیه اروپا در راستای تأمین و تقویت امنیت بین‌المللی پایان می‌پذیرد.

فصل هفتم: نتیجه‌گیری

در این فصل، شون کایل ویراستار کتاب بدون آنکه بخواهد دیدگاه‌های ارائه شده در مقالات مندرج در کتاب را به

هزینه‌های عدم همکاری، تقویت همکاری با آمریکا و ترویج گفتگوهای منطقه‌ای مواجه است. در نتیجه، اعتبار اروپا برای ایفای نقش قدرت بزرگ جهانی زیر سؤال رفته است.

نقد و ارزیابی

با برآورد کلی از ترکیب مقالات، به‌خصوص مقالات ارائه شده از سوی خارجی‌ها می‌توان گفت که برخلاف بسیاری از مؤسسات استراتژیک غربی که تجزیه و تحلیل‌های خود را صرفاً از دریچه تنگ منافع ملی کشور متبوع خود ارائه می‌دهند، در این مقالات، تجزیه و تحلیل‌ها و توصیه‌های ارائه شده، صرفاً براساس منافع یکی از طرفین تنظیم نگردیده و آنچه مهم تلقی می‌شود امنیت بین‌المللی است که بالطبع همه کشورها از آن بهره‌مند می‌گردند. همچنین این مقالات در شرایطی برابر با مقالات ایرانی ارائه شده‌اند، چرا که هرکدام از طرفین سه مقاله ارائه داده‌اند و بدین ترتیب نوعی موازنه در تعداد مقالات

هم نزدیک کند، یک جمع‌بندی از دیدگاه‌های مطروحه به‌خصوص درباره طرز برخورد اروپا نسبت به ایران و محدودیت‌های رفتار مشروط ارائه می‌نماید. اولین محور مورد بحث در این نوشته، برجسته کردن قدرت نرم‌افزاری اروپا و ابزارهای در دسترس آن برای اعمال فشار به ایران می‌باشد. در این قسمت، نویسنده به‌طور ضمنی نقص اروپا در بُعد قدرت سخت‌افزاری را خاطر نشان می‌سازد. در عین حال، باید در نظر داشت که برخوردهای مشروط اروپا با ایران با واکنش طیف وسیعی از مقامات، محققان و مردم ایران روبه‌رو شده و این امر باعث بدبینی شدید نسبت به اهداف و مقاصد و توانایی‌های اروپا برای حل بحران هسته‌ای ایران شده است.

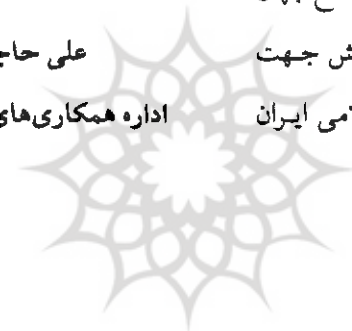
از سوی دیگر، استراتژی اروپا برای مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی با چالش‌های متفاوتی از قبیل دشواری اتخاذ مواضع یکسان در همه موارد، تعیین پاداش‌ها و تنبیه‌ها، امکان افزایش

برای هر دو طرف ملاحظه می‌شود. از سوی دیگر، همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، ابتکار دفتر مطالعات و نویسندگان ایرانی در تبیین صحیح سیاست و عملکرد ایران در خصوص دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشورمان از تریبون سپهری که آثار آن، خوانندگان زیادی در سطح جهان دارد، اقدامی سنجیده برای تلاش جهت اثبات حقانیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

انسجام منطقی کتاب، استفاده از منابع گسترده و معتبر و نیز رعایت استاندارد لازم برای تهیه و نگارش مقالات، بر اعتبار آن می‌افزاید. علاوه بر این، با توجه به اهمیت موضوع و اقدام به چاپ و انتشار کتاب در زمان مناسب، ضرورت مطالعه و حتی ترجمه کتاب را افزایش می‌دهد.

علی حاجیلاری

اداره همکاری‌های اجتماعی بین‌المللی



ژرف‌نگار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی